

تحلیل جامعه‌شناختی ناسزاگویی در گفتار به‌مثابه یک پادفرهنگ

پژوهشی در سطح شهر رشت

مریم ضمیری بلسبینه*

نادر افقی**، فردین علیخواه***

چکیده

در سال‌های اخیر، شاهد نوعی آنومی اخلاقی در سطوح مختلف جامعه و مبدل‌شدن آن به‌نوعی ناسازگاری اخلاقی در سطح عمومی جامعه هستیم. در فرایند این تغییر و تحول، یکی از شیوه‌هایی که به‌مراتب کاربرد آن نیز افزایش یافته است مقاومت فرهنگی است. یکی از نشانه‌های مقاومت فرهنگی ناسزاگویی و بدزبانی و افزایش خشونت در گفتار است. در این پژوهش از نظریه بورديو (برای متغیر سرمایه فرهنگی)، فوکویاما و کاکس (برای متغیر اعتماد اجتماعی)، و رابرتسون و گیدنز (برای متغیر جهانی‌شدن) استفاده شده است. از این حیث، هدف پژوهش حاضر تحلیل جامعه‌شناختی و ارائه نشانه‌های افزایش ناسزاگویی در گفتار است. با توجه به هدف ذکر شده، نوع روش تحقیق روش کمی (پیمایشی) است که در بین ۳۸۴ نفر از جوانان سطح شهر رشت، با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی و فرهنگی به‌ترتیب شامل متغیرهای اعتماد اجتماعی، جهانی‌شدن فرهنگی، و سرمایه فرهنگی توانسته‌اند ۰/۲۴ درصد و عوامل فردی به‌ترتیب شامل پایگاه اقتصادی و اجتماعی، وضعیت تأهل، سن، و جنسیت توانسته‌اند ۰/۲۲ از واریانس ناسزاگویی در گفتار پاسخ‌گویان را پیش‌بینی کنند.

کلیدواژه‌ها: اعتماد اجتماعی، جهانی‌شدن فرهنگی، جوانان، سرمایه فرهنگی، ناسزاگویی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان، m.zamiri1360@gmail.com

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)، naderofoghi@gmail.com

*** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان، faralikhah@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۴

۱. مقدمه و بیان مسئله

مسائل اجتماعی جوانان ایران، هم‌گام با پدیده جهانی شدن و رخداد‌های اجتماعی و اقتصادی، دست‌خوش دگرگونی شده است. جوانان امروز از لحاظ کنش‌های اجتماعی با نسل‌های دیگر متفاوت‌اند. جهان امروز در معرض بزرگ‌ترین تحولات تاریخ بشر قرار دارد؛ دگرگونی‌هایی که فرصت‌های جدید و انطباق با شرایط جدید را محدود کرده است و در بسیاری از موارد، امکان تصمیم‌گیری مناسب را فراهم نمی‌آورد. شتاب‌چین دگرگونی‌هایی در کشورهای در حال توسعه به‌طور سرنوشت‌سازی بر شکل‌گیری و تشدید مشکلات اجتماعی افراد جامعه، به‌خصوص جوانان، تأثیر گذاشته است (شیانی و محمدی ۱۳۸۶: ۱۱-۳۷). این دگرگونی‌ها در زمینه‌های مختلف زندگی فردی تأثیرگذار بوده و در بستر اجتماعی افراد نفوذ کرده است. به‌نظر می‌رسد یکی از این اثرات در گفتار و محاوره‌های روزمره افراد و تمایل به بدزبانی به‌مثابه یک پادفرهنگ باشد. پادفرهنگ به‌دنبال یک نوع سنجیدن اساسی اخلاق، سبک زندگی متناوب، و حتی تحولاتی در آگاهی است و نشان‌دهنده اعتراض به فرهنگ و نظام‌های اجتماعی است و در قالب قدرت و مقاومت خود را نشان می‌دهد. مقاومت مفهومی هنجاری است که با موفقیت و به‌صورت استراتژیک درمقابل استاندارد هنجاری اندازه‌گیری می‌شود. مقاومت نشان‌دهنده کنش نیست، بلکه مقوله‌ای برای داوری درباره کنش است (بارکر و کرین ۱۳۹۱: ۷۲۴-۷۲۵). جوانان بیش از هر گروه اجتماعی دیگری از این فرایند تأثیر می‌پذیرند. گروهی که وجه مشخصه آن‌ها باورها، ارزش‌ها، و هنجارهای خاص درمقابل فرهنگ مسلط یا نظم اجتماعی حاکم است و این ویژگی‌ها خود را در سبک، ذائقه، کنش، و گفتار نشان می‌دهد (شهابی ۱۳۸۲: ۶). رفتار جوانان در جایگاه کنش‌گران فعال حوزه عمومی از مسائلی است که در فرهنگ عمومی واجد اهمیت است.

در سال‌های اخیر، شاهد نوعی آنومی اخلاقی در سطوح مختلف جامعه و مبدل‌شدن آن به‌نوعی ناسازگاری اخلاقی در سطح عمومی جامعه هستیم. در فرایند این تغییر و تحول، یکی از شیوه‌هایی که به‌مراتب کاربرد آن نیز افزایش یافته است مقاومت فرهنگی است. مقاومت فرهنگی یکی از شیوه‌هایی است که قشر جوان از طریق آن می‌تواند ناسازگاری و مخالفت خود را با ساختار اجتماعی نشان دهد و یکی از مصادیق مقاومت فرهنگی ناسازگویی و بدزبانی و افزایش خشونت در گفتار است که امروزه به‌عنوان یکی از

نابهنجاری‌های اجتماعی در جامعه بسیار رواج یافته و به‌صورت پدیده‌ای در همه‌جا حتی در میان کودکان و نوجوانان بروز پیدا کرده است که شامل توهین، دشنام، وقاحت، تمسخر، تکیه‌کلام‌ها یا متلک، کلمات مستهجن، هرزگی در بیان، و دست‌انداختن یا به‌سخره‌گرفتن لهجه یا گویشی خاص می‌شود.

درواقع، ناهنجاری بددهنی و فحاشی در جامعه ما افزایش یافته است، مردم با صدای بلند به‌روزی هم‌دیگر فریاد می‌زنند و الفاظی رکیک به زبان می‌آورند. بددهنی و فحاشی هم در شوخی‌ها و دورهمی‌ها برای شوخی و خنده بسیار رایج شده است. مردم گاهی طوری دشنام‌های ناموسی به هم‌دیگر می‌دهند و می‌خندند که قابل تأمل است. گسترش فرهنگ دشنام در جامعه افزون‌بر نشانه‌ی جهل، کم‌سوادی، و نافرهیختگی جامعه، نشانه‌ی انحطاط فرهنگی در جامعه نیز است؛ زیرا دشنام‌گویی نشانه‌ی خوب و مثبتی در جامعه نیست. به‌زودی آثار آن در فروپاشی اجتماعی و ایجاد تضاد و درگیری‌ها خود را نشان می‌دهد و موجب بروز خشونت در جامعه می‌گردد و گسترش و تداوم آن شرایط اجتماعی جامعه را بحرانی‌تر می‌سازد. دشنام به‌عنوان فرهنگ عمومی سبب فساد و به‌ابتدال کشیده‌شدن زبان رسمی کشور می‌شود؛ به‌گونه‌ای که واژه‌های اصیل، رسا، و گوش‌نواز به فراموشی سپرده می‌شوند و واژه‌های رکیک، عامیانه، و دشنام‌ها جای آن‌ها را پر می‌کنند. از همین منظر است که این پژوهش در پی آن است که عوامل دخیل در شیوع و گسترش این ناهنجاری را از طریق مفاهیمی چون جهانی‌شدن فرهنگی، سرمایه فرهنگی، و اعتماد اجتماعی توصیف و تبیین کند. از این حیث، پژوهش حاضر درصدد بررسی و تحلیل جامعه‌شناسانه افزایش ناسزاگویی و بدزبانی به‌عنوان یکی از مصادیق رفتارهای تکرارشونده در میان اقشار مختلف به‌ویژه جوانان و از منظر جامعه‌شناسی ناسزاگویی در گفتار است. به‌عبارتی، در این پژوهش سعی بر این است که نقش عوامل (جهانی‌شدن فرهنگی، اعتماد اجتماعی، سرمایه فرهنگی، و متغیرهای زمینه‌ای) مرتبط با افزایش ناسزاگویی در گفتار و دلایل آن در بین جوانان تفحص و واکاوی می‌شود و به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که چرا فرهنگ ناسزاگویی در بین اقشار مختلف جامعه به‌ویژه جوانان جافتاده و رایج شده است.

لذا در این پژوهش، کوشش بر این است که به تحلیل جامعه‌شناختی و ارائه نشانه‌های افزایش پدیده ناسزاگویی در گفتار و به تبیین رابطه بین جهانی‌شدن فرهنگی، رابطه اعتماد اجتماعی (بین شخصی، بنیادی، و نهادی)، سرمایه فرهنگی (تجسیدی، عینی، و نمادین)،

استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، متغیرهای زمینه‌ای، پایگاه اجتماعی اقتصادی با افزایش ناسزاگویی در گفتار پرداخته شود.

بنابراین، پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر مسئله‌ی اساسی پژوهش حاضر است:

- چرا فرهنگ ناسزاگویی در بین اقشار جامعه، به‌خصوص جوانان، رواج یافته است؟
- آیا پدیده ناسزاگویی در گفتار یک نوع بحران هویت فرهنگی است؟
- چه عوامل و زمینه‌هایی باعث تغییر در گفتار و رفتار به‌خصوص جوانان می‌شود؟
- خاستگاه‌ها و زمینه‌های بروز ناسزاگویی در گفتار کدام‌اند؟
- آیا با وجود ناسزاگویی در گفتار می‌توان آن را به‌عنوان یک خرده‌فرهنگ متمایز به‌شمار آورد؟
- آیا ناسزاگویی در گفتار جلوه‌ای از پذیرش جنبه‌هایی از یک شیوه زندگی متفاوت است؟

۲. مبانی نظری

جهانی‌شدن با سرعتی روزافزون در حال درنوردیدن عرصه‌های مختلف زندگی است و با انتشار ارزش‌های نو نقش به‌سزایی در شکل‌گیری فرهنگ و سرمایه‌های فرهنگی افراد، علی‌الخصوص نوع تعاملات اجتماعی جوانان، داشته است؛ چراکه فرهنگ و مؤلفه‌های آن منشأ تحولات گوناگونی در تعاملات روزمره افراد است. لذا در مبانی نظری این پژوهش نخست به بررسی پیشینه‌های پژوهش پرداخته می‌شود و سپس با طرح دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط با جهانی‌شدن فرهنگی، سرمایه فرهنگی، و اعتماد اجتماعی، به تبیین رابطه ابعاد مختلف این مصادیق و پدیده ناسزاگویی در جوانان پرداخته می‌شود و درنهایت به فرضیه‌های پژوهش اشاره می‌شود.

۱.۲ پیشینه پژوهش

بررسی تحقیقات انجام‌شده درباره موضوع و مسئله تحقیق به گسترش آگاهی محقق کمک می‌کند تا بتواند در پرتو اطلاعات به‌دست‌آمده، مسئله تحقیق خود را روشن‌تر سازد و به ارتباط منطقی میان اطلاعات پژوهش‌های قبلی با مسئله تحقیق خود دست یابد. با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، تحقیق‌های انجام‌شده در ایران درباره بررسی

خشونت زیاد هستند، ولی تحقیقاتی که به خشونت کلامی یا به‌عبارتی ناسزاگویی در گفتار با محوریت خاص موضوع تحقیق پرداخته باشند بسیار اندک است. در بخش تحقیقات خارجی باید گفت که تحقیقات تقریباً خوبی در زمینه موردبررسی انجام شده‌اند و ناسزاگویی را از زوایای مختلف کنکاش کرده‌اند. از این‌رو، در این بخش نخست مروری می‌شود بر پژوهش‌های داخلی و سپس مروری بر پژوهش‌های خارجی درباره موضوع می‌شود.

۱.۱.۲ پژوهش‌های داخلی

در برخی پژوهش‌ها، موضوع خشونت کلامی بررسی شده است و رابطه این مفهوم با عوامل به‌وجودآورنده آن تحلیل شده است. دو پژوهش داخلی، که در سال‌های اخیر صورت پذیرفته است، نشان می‌دهد که شرایط اجتماعی، فرهنگی، و فردی در بروز و گسترش این رفتار انسانی مؤثرند. بازرگان و همکاران (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران»، به بررسی خشونت کلامی از نظر معلمان و دانش‌آموزان مدارس راهنمایی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که خشونت کلامی به‌صورت فحش و ناسزاگویی، تهمت، و برچسب‌زدن به یک‌دیگر و توهین و تمسخر دیگری، امری رایج در مدارس راهنمایی شهر تهران است. خشونت کلامی نه‌تنها در میان دانش‌آموزان رایج است، بلکه معلمان و سایر مسئولان مدرسه این رفتار را در مقابل دانش‌آموزان از خود نشان می‌دهند. علت خشونت کلامی در بین دانش‌آموزان فضای آموزشی نامناسب، ارتباطات نامطلوب در مدرسه، حجم زیاد کتب درسی، و عوامل خارج از مدرسه تشخیص داده شد. ولی علت خشونت کلامی در بین معلمان از نظر دانش‌آموزان بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی معلم به حرفه معلمی و تدریس بیان شده است. کریمی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی انواع خشونت کلامی و عوامل پدیدآورنده آن از نظر دانش‌آموزان و معلمان»، انواع خشونت کلامی را از نظر دانش‌آموزان و معلمان در شهر رشت را بررسی کرده است. نتایج حاصل از مطالعه نشان می‌دهد که خشونت کلامی در مدارس پسرانه و معلمان مرد بیش‌تر است. از دید معلمان شرایط خانوادگی و اجتماعی عامل به‌وجودآمدن خشونت کلامی است، در حالی که دانش‌آموزان حجم زیاد دروس، افت تحصیلی، شرایط فرهنگی مدارس، و ... را از عوامل رواج خشونت کلامی می‌دانند.

۲.۱.۲ پژوهش‌های خارجی

راسین و موریس (Rassin and Muris 2005) در پژوهش خود با نام «چرا زنان ناسزا می‌گویند؟» شناسایی علل خودکارآمدی ادراک‌شده در استفاده از زبان دشنام در بین دانشجویان زن اتریشی را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که احساسات منفی، احساسات مثبت، پرخاش‌گری، شوکه‌شدن، و به بدزبانی عادت کردن از مهم‌ترین علل شیوع ناسزاگویی در بین دانشجویان است. تحقیق مهم دیگر را جانسون و لویس (Johnson and Lewis 2010) با نام «ادراک ناسزاگویی در محیط‌های کاری: تئوری خشونت موردانتظار» انجام داده‌اند و به تبیین علت اصلی ناسزاگویی در محیط‌های کاری پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین جنسیت کارکنان و استفاده از زبان دشنام وجود دارد. بین منزلت کارکنان در محیط شغلی و تمایل به ناسزاگویی هم‌بستگی معناداری وجود دارد. همچنین، تفاوت معناداری بین جایگاه اجتماعی و شغلی و مواجهه با ناسزا وجود دارد. مباشرنیا و همکاران (Mobashshernia et al. 2012) در پیمایشی دیگر با عنوان «تأثیر عوامل زبان‌شناختی، روان‌شناختی، و اجتماعی در ناسزاگویی به‌وسیله دانشجویان»، نقش عوامل زبان‌شناختی، روان‌شناختی، و اجتماعی در ناسزاگویی دانشجویان بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که سطح تحصیلات والدین، میزان وقت سپری‌شده در گیم‌نت، خیابان، و کافه و جامعه‌پذیری در گروه دوستان تأثیر معناداری در استفاده از زبان دشنام در بین دانشجویان دارد. وینگرهوتس و همکاران (Vingerhoets 2013)، در پژوهش خود با عنوان «ناسزاگویی: رویکردی زیستی، روان‌شناختی، و اجتماعی»، نشان داده‌اند که در بعد زیستی و روان‌شناختی، ناسزاگویی به کاهش استرس و خشم درونی افراد منجر می‌گردد. در بعدی دیگر، از نظر اجتماعی ناسزاگویی به کسب اعتبار و استقامت ادراک‌شده از سوی ناسزاگویان منجر می‌شود. در بعدی دیگر نیز ناسزاگویی به بهبود جایگاه فرد در گروه منجر می‌شود. بنابر نتایج تحقیق آلموتاق (۲۰۱۳) با عنوان «مطالعه زبان‌شناسی اجتماعی دشنام در بین عرب‌زبانان اردنی»، تعهد مذهبی، تحصیلات، منزلت اجتماعی، و جایگاه‌های اجتماعی که پاسخ‌گویان در آن حضور می‌یابند از مهم‌ترین هم‌بسته‌های ناسزاگویی در بین پاسخ‌گویان هستند. کاروستلینا (Korostelina 2014) در پژوهش خود با عنوان «ناسزاگویی‌های درون‌گروهی: رویکرد هویت اجتماعی» به این نتیجه رسید که اشکال متنوعی از ناسزاگویی مانند ناسزاگویی هویتی، فرافکن،

تمایزبخش، نسبی، قدرت‌بخش، و مشروعیت‌بخش، با توجه به جایگاه‌های اجتماعی افراد (منطبق با هویت اجتماعی) پدیدار می‌گردد. یی فان (Yi-Fan 2012) در پژوهش خود با نام «استفاده از دشنام‌های انگلیسی در بین جوانان چینی» به این نتیجه رسید که عواملی چون عصبانیت، جنسیت (بیش‌تر مردان)، تأیید هویت، و احساسات تحریک‌شده از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در بروز ناسزا در بین پاسخ‌گویان است. سیمپسون و همکاران (Simpson et al. 2016) در پژوهش خود با عنوان «چرا مادران از کلمات زشت استفاده می‌کنند: تأثیر خانواده، هم‌سالان، و فراوانی ناسزاگویی» نشان دادند که محیط خانوادگی و گروه هم‌سالان از مهم‌ترین هم‌بسته‌های شیوع ناسزاگویی در بین مادران مطالعه شده است. در جمع‌بندی پیشینه‌های تحقیق می‌توان به این نکته اشاره کرد که ناسزاگویی متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، و فردی است و به‌عنوان ابزاری استفاده می‌شود تا به فرهنگ مسلط، مرام، عقیده، دین، زبان (گویش)، قیافه، و سلیقه افراد حمله کند. در این میان، فرد دشنام‌دهنده در پی تضعیف شخص مقابل و سلطه نظر یا نمایش اقتدار خود است؛ زیرا زمانی که سخن از فرهنگ می‌شود، منظور تمام الگوهای قابل تشخیص فکری و رفتاری بر پایه اعتقادات، ارزش‌ها، عادت‌ها، و رسوم است که تحت تأثیر عواملی به وجود می‌آید و به‌نوبه خود بر چیزهای دیگر تأثیر می‌گذارد. حتی در بین برخی از اقشار و طبقات جامعه به‌صورت یک فرهنگ درمی‌آید، گویی ناسزاگویی نه تنها امری ارزشی به‌شمار می‌آید، بلکه چاشنی گفت‌وگو نیز قلمداد می‌شود.

۲.۲ نظریه‌ها و دیدگاه‌ها

در جهان معاصر، برای بررسی مسائل اجتماعی نمی‌توان به یک عامل بسنده کرد، زیرا هم افراد و هم ساختارها به‌طور هم‌گام بر روند تحولات تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش نیز مسئله زبری، ناهنجاری‌های کلامی، و به‌طور کلی شکسته‌شدن تابوهای کلامی، به‌عنوان یک کنش فرهنگی یا به‌عبارت‌دیگر ضدفرهنگی که جنبه‌های مقاومتی نیز دارد، با توجه به موقعیت، هندسه، منطق، و تجربه فرهنگ جهانی قابل درک و تبیین است. حال از آنجایی که نظریات جهانی شدن و ارتباط آن با فرهنگ تبیینی ساختارگرایانه از تغییر تعاملات و کنش‌های افراد می‌دهند، در این پژوهش، به‌منظور عدم تقلیل‌گرایی و رسیدن به کفایت تبیینی، علاوه بر نظریات مربوط به جهانی‌شدن فرهنگی، سرمایه فرهنگی و آثار هویتی آن‌ها، اعتماد اجتماعی، و ارتباط آن‌ها با مسئله ناسزاگویی پرداخته می‌شود.

به اعتقاد بوردیو (۱۹۹۱)، کنش‌های اجتماعی هر کنش‌گری متأثر از انواع سرمایه‌ها به‌خصوص سرمایه فرهنگی است و منشأ بیماری‌های اجتماعی مانند انواع خشونت‌های فیزیکی و کلامی را باید در نابرابری‌های افراد در سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی) جست، زیرا زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط اجتماعی مختلف در بین گروه‌های اجتماعی مختلف می‌گردد و این نوع روابط می‌تواند به فرد سلیقه، ادب در گفتار، و شیوه‌هایی بیاموزد که فرد را به منزلت خاصی نزدیک سازد. به‌نظر بوردیو، انتخاب راه‌کارهای سرمایه‌گذاری فرهنگی مناسب در خانواده نقش مهمی در فراگیری بهتر آموزش و در نتیجه کیفیت فرهنگ کلامی و تعاملات اجتماعی افراد دارد (Lin 2012). در واقع، تفاوت در سرمایه‌های افراد سلیقه‌ها و ترجیحات متفاوتی در نوع رفتار و گفتارشان ایجاد می‌کند و نوع گفتار و تعاملات اجتماعی در شکل‌گیری و تکامل شخصیت نوجوانان و جوانان نقش مهم و مؤثری ایفا می‌کند. از منظر بوردیو، سرمایه فرهنگی و اقتصادی خانواده بر رفتارها، ترجیحات، نگرش‌ها، و انگیزه‌های رفتاری انحرافی مانند به‌کارگیری الفاظ ناشایست و زشت، توهین به دیگران، انحرافات جنسی، و ... تأثیر می‌گذارد (مجدی و همکاران ۱۳۸۹). در واقع، فضا و موقعیتی که هر فرد در آن رشد می‌کند طی فرایند جامعه‌پذیری در فرد درونی می‌شود و سرمایه فرهنگی بازنمای جمع نیروهای غیراقتصادی مثل زمینه خانوادگی، طبقه اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های گوناگون و تعهدات به تعلیم و تربیت، منابع مختلف و مانند آن‌ها که بر موقعیت دانشگاهی (علمی و تحصیلی) تأثیر می‌گذارد و جنبه‌های مقاومتی این مسئله در برابر هنجار مسلط خود را در قالب شکستن تابوهای کلامی نشان می‌دهند. درحقیقت، اثر فحاشی و ناسزاگویی به‌هم‌راه عصاره پادفرهنگی آن به‌حدی است که حذف آن را از زندگی غیرممکن می‌سازد.

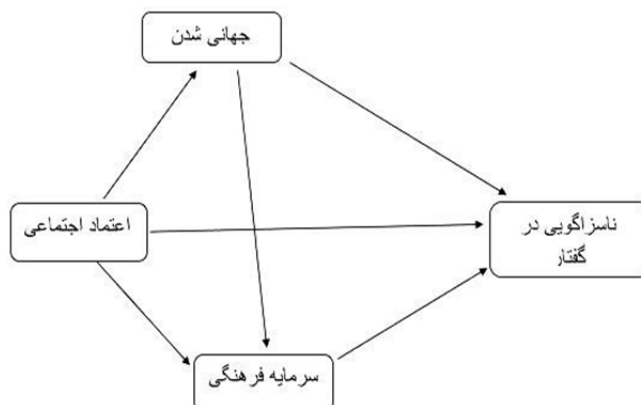
تعاملات کلامی این‌چنینی در روابط اجتماعی را می‌توان در بستر یکی دیگر از مفاهیم این تحقیق، یعنی «اعتماد» به‌عنوان یکی از سازه‌های اصلی سرمایه اجتماعی و اصول اولیه زندگی اجتماعی، جست‌وجو کرد. در واقع، اهمیت اعتماد به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی پراهمیت در پیوندها و کنش‌های اجتماعی به‌گونه‌ای است که می‌توان آن را زمینه اصلی گسترش تعامل در ابعاد مختلف جامعه دانست. هرچه میزان سرمایه اجتماعی کم‌تر باشد میزان پای‌بندی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی کم‌تر می‌شود (کارکنان نصرآبادی و همکاران ۱۳۹۱) و در نتیجه باعث ایجاد ناهنجارهای اخلاقی و رفتاری می‌شود. فرانسویس فوکویاما در باب اهمیت اعتماد اجتماعی تأکید می‌کند که افزایش سطح بی‌اعتمادی در

جامعه، کاهش سطح تعهدات اجتماعی، پایین آمدن میزان مشارکت‌های اجتماعی، و افزایش آسیب‌های اجتماعی را به‌دنبال دارد (وحیددا و همکاران ۱۳۸۲). از دید او ارزش‌ها و هنجارهایی که زمینه تعاملات اخلاقی را بین کنش‌گران فراهم می‌کند شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات، و ارتباطات دوجانبه است (فوکویاما ۱۳۷۹: ۱۰) و شامل هنجارها و ارزش‌هایی است که ناشی از وجود جامعه‌ای صادق، با روحیه تعاون، و برپایه تقسیم ارزش‌ها در بین اعضای جامعه است (Fukuyama 1995). ایوا کاکس (Cox. A) با تکیه بر عامل «اعتماد»، به‌عنوان شاخص سرمایه اجتماعی، یادآوری می‌کند که در صورت وجود اعتماد میان افراد و اجتماعات، روابط اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران، و اجتماعات مؤثرتر خواهد بود. در صورتی که بی‌اعتمادی مسائلی چون هرزگفتاری، پیروی نکردن از قوانین، رفتارهای ضداجتماعی، جرم، خودکشی، خشونت و سایر مسائل اجتماعی را به‌هم‌راه خواهد داشت (همان: ۸۹). به عقیده کاکس، شرط اساسی برای یک جامعه سالم اعتماد اجتماعی متقابل بین اعضاست. در نتیجه تبلور اعتماد در سطوح مختلف، سرمایه اجتماعی افزایش و مشکلات اخلاقی در تعاملات اجتماعی کاهش می‌یابد (شریفیان ثانی ۱۳۸۰). طبق نظریات مطرح‌شده، مشارکت‌های اجتماعی و تعاملات فردی در سایه اعتماد نقش مهمی در رعایت هنجارهای کلامی دارد. هم‌چنین، هرزگی در گفتار، بروز رفتارهای ضداجتماعی، انواع ناهنجاری‌ها، خشونت، و ... برخاسته از بی‌اعتمادی است. اعتماد اجتماعی و تعلق مطمئن در سایه ادبیات و فرهنگ تعامل ما را به سمت مفهوم دیگر این تحقیق، یعنی بحث «جهانی شدن فرهنگی»، هدایت می‌کند.

به نظر می‌رسد جهانی شدن بیش‌ترین تأثیرش را از طریق تزریق خون فرهنگی جدید در عناصر کلامی و ادبیات گذاشته باشد. فرهنگ کلامی نزد جوانان در گروه‌های مختلف، به‌عنوان قشری که بیش‌ترین ارتباط را از فرهنگ و رسانه‌های جهانی دریافت می‌کنند، به‌شدت تحت تأثیر جریان جهانی شدن است. ارائه پل‌های جدید ارتباطی و رسانه‌ای به‌عنوان ارائه‌دهنده عناصر فرهنگی جدید بر نوع تعاملات گفتاری تأثیر گذاشته است و تیپ‌های جدید ادبی و کلامی را گسترش داده است (Das 2011). به‌عقیده رابرتسون (۱۹۹۹) جهانی شدن فرهنگی از طریق فشردگی، هم‌گونی، درهم‌تنیدگی، و وابستگی متقابل، که از رهگذر ماهیت نظام سرمایه‌داری و منطق انباشت و به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی ممکن می‌شود، انتقال صدا، تصویر، اطلاعات، و ... را در هر شکلی میسر و امکان‌پذیر می‌سازد. آگاهی شکل‌گرفته از این مسیر بر اطلاعات افراد افزوده و در نتیجه بر شخصیت، نوع

تعاملات، تغذیه، سبک زندگی، عادت‌ها، هویت، گفتار، زبان، و ... تأثیر می‌گذارد. مبانی تحلیلی طرف‌داران فرهنگ جهانی بر این اصل مبتنی است که رشد فزاینده فناوری وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و ماهواره، موجب فشردگی زمان - مکان و نزدیکی فرهنگ کشورها شده است (گیدنز ۱۳۸۰) و از این طریق یک فرهنگ مسلط در جهان تشکیل داده است و پی‌آمد آن روندی شده است که بر مفاهیم و اعتقادات، علایق، ذوق، سلیقه، و واقعیت‌ها تأثیر گذاشته و جوانان را به سمت پذیرش فرهنگ جدید سوق داده است؛ فرایندی که در آن با جهانی‌شدن فرهنگی و با افزایش آگاهی، پی‌آمدهایی چون بحران هویت، ناهنجاری‌ها، آسیب‌های اجتماعی، بروز انواع خشونت‌ها، و ... رخ داده است (Ota 2001). بنابراین، روشن است که فرهنگ جهانی رسانه‌ای دارای استعداد ترویج خرده‌فرهنگ‌های زبانی خاص بین جوانان است و می‌خواهد آن‌ها را به سرعت منتقل کند و سازوکاری دارد که برای شکل‌گیری، نمایش، بازنمایی، و گفت‌وگو درباره آن فراهم می‌سازد و دربردارنده چیزی است که گیدنز (۱۹۹۰) آن را تکه‌برداری (بی‌ریشگی) روابط اجتماعی از طریق فاصله‌گذاری زمانی - فضایی و استفاده بازاندیشانه از دانش می‌نامد. این جریان بر بسترهای محلی و شخصی تجربه اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد و از این طریق باعث برهم‌زدن رابطه سنتی میان زمان و فضا شده است. گسست از جامعه سنتی و ورود به جامعه مدرن عالی‌ترین مرحله تجدد است (Giddens 1994). او نتیجه پویش مدرنیته را (بازاندیشانه) تلقی می‌کند که دربردارنده چیزی است که آن را تکه‌برداری (بی‌ریشگی) روابط اجتماعی از طریق فاصله‌گذاری زمانی - فضایی و استفاده بازاندیشانه از دانش می‌نامد (Giddens 1990). البته گیدنز اعتقاد دارد که معنای جهانی‌شدن این نیست که جامعه جهانی در حال یک‌پارچه‌شدن است. برعکس، این پدیده در برخی ابعاد با تفرق و شقه‌شقه‌شدن روبه‌روست تا اتحاد و یک‌پارچگی. به عبارت دیگر، فرایند جهانی‌شدن فرایندی همگن‌ساز نیست، بلکه فرایندی تفکیک‌ساز است (سعیدی ۱۳۸۵). یعنی همه چیز را با هم به صورت یک‌دست توسعه نمی‌دهد و از آن هم‌گریزی نیست. در مجموع، جهانی‌شدن فرهنگ با جریانی پر قدرت از ارزش‌ها و هنجارها همراه است که با اشاعه آن‌ها از طریق درگاه‌های ارتباطی افسارگسیخته سبب عبور آن‌ها از قاره‌ها و اقیانوس‌ها شده و به افراد در دورترین نقطه جهان می‌رسد. این اطلاعات چیزی نیست جز افکار، اندیشه‌ها، و کم‌رنگ‌شدن معیارها، ارزش‌ها، و هنجارهای سنتی مقبول جامعه و شکل‌گیری هویت فرهنگی جدیدی مبنی بر این که افراد چه بخورند، چگونه زندگی کنند، چگونه فکر کنند، و چگونه باهم حرف بزنند. مدل مفهومی پژوهش در تصویر ۱ نشان داده شده است.

تحلیل جامعه‌شناختی ناسزاگویی در گفتار به‌مثابه یک ... ۶۳



تصویر ۱. مدل مفهومی پژوهش

۳.۲ فرضیه‌های پژوهش

- رواج و افزایش فرهنگ ناسزاگویی و خشونت کلامی در بین جوانان تابعی از عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، و فردی است؛
- بین متغیرهای زمینه‌ای و میزان ناسزاگویی در گفتار رابطه وجود دارد؛
- هرچه نمره شاخص پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالاتر رود، انتظار می‌رود میزان ناسزاگویی در گفتار نیز کاهش یابد؛
- هرچه میزان اعتماد اجتماعی بیش‌تر شود، انتظار می‌رود میزان ناسزاگویی در گفتار کم‌تر شود؛
- هرچه میزان سرمایه فرهنگی در افراد بیش‌تر شود، انتظار می‌رود میزان ناسزاگویی در گفتار نیز کاهش یابد؛
- هرچه میزان جهانی شدن فرهنگی در جامعه بیش‌تر شود، انتظار می‌رود میزان ناسزاگویی در گفتار نیز افزایش یابد.

۳. روش پژوهش

در پژوهش حاضر، با توجه به شرایط و موضوع مورد بررسی، از روش کمی - پیمایشی برای دستیابی به نتیجه بهتر استفاده شده است. در این روش، از پرسش‌نامه محقق‌ساخته برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است که حاوی سؤالاتی درباره متغیرهای وابسته، مستقل، و

متغیرهای زمینه‌ای تحقیق است که به منظور اخذ نظرات نمونه‌ها درباره متغیرهای تحقیق تهیه و تنظیم شده است. به‌طور کلی، اکثر سؤالات پرسش‌نامه به صورت سؤالات چندگزینه‌ای و در قالب طیف لیکرت، از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف، است که هر یک برای پاسخ به شاخص‌هایی تهیه شده‌اند. سؤالات مثبت از ۴ تا ۱ و سؤالات منفی از ۱ تا ۴ نمره‌گذاری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه جوانان و نوجوانان ۱۵ تا ۳۴ سال ساکن شهر رشت هستند که طبق اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ برابر با ۲۴۵۹۳۲ نفر بوده‌اند. با توجه به این که موضوع پژوهش حاضر جامعه‌شناختی است (ناسزاگویی در بین جوانان)، لذا واحد مشاهده و تحلیل فرد (جوان) پاسخ‌گو است. در این پژوهش، برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. براساس این فرمول، حجم نمونه ۳۸۴ نفر بوده است. با وجود این، در پژوهش حاضر برای اطمینان بیشتر و رفع مشکلات احتمالی مانند پرسش‌نامه‌های بی‌پاسخ، پرسش‌نامه‌های گم‌شده، و ... حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد که در نهایت پس از بررسی، تعداد ۳۸۴ پرسش‌نامه کامل برای تجزیه و تحلیل باقی ماند.

$$n = \frac{N(t.s)^2}{Nd^2 + (t.s)^2} = \frac{245932 \times (1.96 \times 0.44)^2}{245932 \times (0.05)^2 + (1.96 \times 0.44)^2} = 384$$

در این فرمول:

N = جمعیت جامعه آماری

t = فاصله اطمینان

n = حجم نمونه آماری

s = انحراف معیار

d = میزان دقت احتمالی مطلوب

روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی بوده است. بدین ترتیب، با استفاده از نقشه رشت و تقسیمات منطقه‌ای از سوی اداره آمار از تقسیمات سه‌گانه مناطق اجتماعی - اقتصادی (مرفه، متوسط، و پایین) محله‌هایی در هر یک از مناطق مذکور انتخاب شده است. مناطق مرفه شامل معلم، گلزار، و منظریه با لحاظ امکانات جزو مناطق بالا یا مرفه‌نشین شهر رشت، میدان گاز، سعدی، و شهرداری مناطق متوسط‌نشین، و مناطق پایین یخ‌سازی، لاکانشهر، و معلولین هستند. سپس، از بین مناطق، بلوک‌ها و کوچه‌ها انتخاب شدند. در مرحله بعد، خانه‌ها به‌طور تصادفی انتخاب شدند و داده‌های مورد نیاز پژوهش از طریق پرسش‌نامه از نمونه‌های مورد نظر، که جوانان بودند، جمع‌آوری شد. بدین ترتیب، با استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری پژوهش، داده‌های

گردآوری شده بررسی شد و سپس با توجه به سطوح اندازه‌گیری گویه‌ها داده‌ها کدگذاری و استخراج شدند. پس از تشکیل ماتریس داده‌ها در نرم‌افزار SPSS 24، با بهره‌گیری از آماره‌های توصیفی و استنباطی به توصیف و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است و پس از محاسبه و ویژگی‌های اجتماعی - جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش به ارائه شاخص‌های توصیفی و نمودارهای مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش پرداخته شده است و از آماره‌های میانگین، انحراف معیار، واریانس، کشیدگی، و چولگی استفاده شده است. در بخش روش‌های استنباطی، برای بررسی روابط بین دو متغیر از آزمون‌های ضریب هم‌بستگی پیرسون/ اسپیرمن بهره گرفته شده است. در سنجش چندمتغیره نیز از رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

۱.۳ تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن متغیرهای پژوهش

در این قسمت، تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق، که شامل متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است، آورده می‌شود.

۱.۱.۳ متغیر وابسته

ناسزاگویی عبارت است از آشکارکردن امور زشت و ناپسند با الفاظ و عبارات صریح (نراقی بی‌تا: ۳۵۱). به عبارت دیگر، انسان امور بد و زشت را به واسطه کلمات صریح و در بعضی موارد رکیک و زننده بیان کند که بیش‌تر اوقات به وسیله الفاظ مربوط به مسائل جنسی به کار می‌رود و افراد لابلالی و بی‌شرم و حیا آن عبارات را صریحاً بر زبان جاری می‌کنند. در این تحقیق، ناسزاگویی با معرف‌هایی هم‌چون دشنام، توهین و اهانت، تمسخر، تکیه‌کلام‌ها یا متلک‌ها، وقاحت، ادبیات مستهجن، افتراء، و دست‌انداختن یا به‌سخره‌گرفتن لهجه یا گویشی خاص در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است. به طوری که هر یک از معرف‌ها خود چند گویه دارد.

۲.۱.۳ متغیرهای مستقل

۱.۲.۱.۳ سرمایه فرهنگی

بورديو سرمایه فرهنگی را دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد می‌داند که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود. وی تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می‌داند؛

لیکن گرایش به اشیای فرهنگی و جمع‌شدن محصولات فرهنگی در نزد فرد را سرمایه فرهنگی می‌خواند (فاضلی ۱۳۸۶: ۴۲). در این بررسی، مفهوم سرمایه فرهنگی در سه بعد تجسم‌یافته، نهادینه‌شده و عینیت‌یافته بررسی خواهد شد که شامل مؤلفه‌های عادت‌های مطالعه و خواندن، میزان تحصیلات پاسخ‌گویان، فعالیت هنری موردعلاقه، نوع عادت‌های موردعلاقه هنری درخصوص مصارف فرهنگی، میزان هزینه‌کردن برای خرید محصولات فرهنگی، رفتن به مراکز هنری است. برای سنجش متغیر سرمایه فرهنگی گویه‌ها در قالب طیف لیکرت با گزینه‌های «بسیار زیاد، زیاد، کم، بسیار کم» مشخص شده‌اند.

۲.۲.۱.۳ اعتماد

ترودی گور (۱۹۹۷)، اعتماد اجتماعی را پایه و اساس زندگی توأم با اخلاق، مسئولیت و نیکویی می‌داند و معتقد است پیوندهای اجتماعی در سایه اعتماد شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود. در این پژوهش اعتماد اجتماعی در قالب سه شکل از اعتماد بنیادی، بین‌شخصی و نهادی سنجیده می‌شود. اعتماد اجتماعی دربرگیرنده حداقل دو عنصر اساسی است: اعتمادکننده و اعتمادشونده. ممکن است که هم اعتمادکننده و هم اعتمادشونده، فرد، سازمان یا گروه اجتماعی باشد؛ بنابراین، باتوجه به تحقیقات مرتبط و تئوری‌های یادشده، این شاخص‌ها به‌منظور سنجش اعتماد اجتماعی در نظر گرفته شده است: صریح و بازبودن؛ سهیم‌کردن؛ حسن‌ظن؛ اعتماد به مردم (اعتماد به آشنایان، اعتماد به دوستان، و...؛ دگرخواهی؛ اعتماد به گروه‌ها، احزاب، تشکلهای دانشجویی، رسانه‌های همگانی، و نهادهای صنفی و هم‌چنین صداقت. در این پژوهش، متغیر اعتماد اجتماعی به سه بعد اعتماد بین‌شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی تفکیک شده است. برای سنجش آن‌ها گویه‌ها به‌صورت ترتیبی و در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

۳.۲.۱.۳ جهانی‌شدن فرهنگی

معمول‌شدن واژه «جهانی‌شدن فرهنگی» بیان‌گر دل‌مشغولی امروز ما به مسائل جهان در زمینه‌های مختلف است (رابرتسون ۱۳۸۵). برای مفهوم جهانی‌شدن فرهنگی از مقوله‌های عینی، مانند تعاملات رسانه‌ای جهانی (میزان استفاده از اینترنت و رسانه‌های جمعی)، میزان واردات کالاهای فرهنگی (فیلم، موسیقی، کتاب، و روزنامه) و الگوی جهانی کاربرد زبان (میزان ترجمه و آشنایی به زبان‌های دیگر) می‌توان استفاده کرد. از گویه‌های این متغیر در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت و با گزینه‌های «خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم» برای سنجش این متغیر استفاده شده است.

پایایی ابزار پژوهش حاضر از طریق مطالعه مقدماتی و آلفای کرونباخ ارزیابی شده است. بدین منظور که قبل از اجرای پرسش‌نامه اصلی، ابزار اندازه‌گیری در اختیار سی نفر از افراد نمونه، که معرف جامعه بوده‌اند و به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، قرار گرفت و سپس هم‌بستگی درونی گویه‌ها از طریق آلفای کرونباخ بررسی شد. دامنه آلفای کرونباخ از صفر تا یک است که هرچه به یک نزدیک‌تر باشد (آلفا مساوی یا بالای ۰/۷ باشد) نشان‌دهنده انسجام درونی گویه‌ها و همگنی بیش‌تر آن‌هاست. بدین ترتیب، براساس جدول آلفای کرونباخ، تمامی ابعاد ضریب آلفای بالاتر از ۰/۷ داشته‌اند و در دامنه ۰/۷۹ تا ۰/۹۲ قرار گرفتند.

هم‌چنین، اعتبار سازه‌ای از طریق تحلیل عاملی تأییدی به‌دست آمده است. هر بار عاملی در یک متغیر نشان‌دهنده میزان هم‌بستگی آن متغیر با عامل مربوط است. دامنه بار عاملی بین ۱- تا ۱+ نوسان دارد، یعنی «هرچه مقدار بار عاملی یک متغیر در خصوص یک عامل بیشتر باشد، هم‌بستگی آن متغیر با عامل موردنظر، در مقایسه با سایر عامل‌ها بیش‌تر است» (منصوهر ۱۳۸۵: ۲۶۵-۲۶۶، به‌نقل از حبیب‌پور و صفری ۱۳۹۱: ۳۱۰). بدین ترتیب، بارهای عاملی متغیرهای زیر، به ۱ نزدیک است و نشان‌دهنده این است که ابعاد سازه‌ها درست انتخاب شده‌اند.

۴. یافته‌های تحقیق

۱.۴ توصیف داده‌ها

نتیجه بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی حاکی از آن است که از کل ۳۸۴ نفر، ۱۹۲ نفر (۵۰ درصد) از پاسخ‌گویان مورد مطالعه را زنان و ۱۹۲ نفر (۵۰ درصد) را نیز مردان تشکیل می‌دهند. ۱۹۵ نفر (۵۰/۸ درصد) مجرد و ۱۸۹ نفر (۴۹/۲ درصد) متأهل بوده‌اند. هم‌چنین، که از کل ۳۸۴ پاسخ‌گو، ۴۷ نفر (۱۲/۲ درصد) زیر ۲۰ سال، یعنی در گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال بوده‌اند و ۱۶ نفر (۴/۲ درصد) از پاسخ‌گویان بالاتر از ۳۰ سال، یعنی در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال قرار داشته‌اند. درباره سطح تحصیلات پاسخ‌گویان، ۴۱ نفر (۱۰/۷ درصد) از آن‌ها زیردیپلم، ۱۰۲ نفر (۲۶/۶ درصد) دیپلم، ۲۷ نفر (۰/۷۰ درصد) فوق‌دیپلم، ۱۴۱ نفر (۳۶/۷ درصد) لیسانس، ۵۶ نفر (۱۴/۶ درصد) فوق لیسانس، و ۱۷ نفر (۴/۴ درصد) دکتری بوده‌اند. هم‌چنین، ۹۶ نفر (۲۴/۹ درصد) از پاسخ‌گویان مرتبه شغلی خیلی کم‌مرتبه، ۴۲ نفر (۱۰/۹ درصد) کم‌مرتبه، ۵۱ نفر (۱۳/۲ درصد) میان‌مرتبه، ۱۴۰ نفر (۳۶/۴ درصد) بلندمرتبه، و ۵۶ نفر (۱۴/۵ درصد) خیلی بلندمرتبه داشتند.

۲.۴ یافته‌های استنباطی

۱.۲.۴ آزمون فرضیه‌های پژوهش

بین عوامل اجتماعی و فرهنگی با ناسزاگویی در گفتار رابطه وجود دارد.

جدول ۱. عوامل اجتماعی و فرهنگی پیش‌بین مناسب واریانس ناسزاگویی در گفتار پاسخ‌گویان

مدل	ضریب R	ضریب تعیین	ضریب تعیین استاندارد	درجه آزادی	مجموع مربعات	ضریب F	سطح معناداری
هم‌زمان	۰/۵۰	۰/۲۵	۰/۲۳۸	۶	۸۲۰۷/۲۸۷	۲۰/۹۴۴	۰/۰۰۰

- متغیرهای پیش‌بین: زیرمقیاس‌های عوامل اجتماعی و فرهنگی

- متغیر ملاک: ناسزاگویی در گفتار

جدول ۲. آزمون رگرسیون تأثیرگذاری

زیرمقیاس‌های عوامل اجتماعی و فرهنگی بر ناسزاگویی در گفتار

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	T ضریب	سطح معناداری	ضرایب هم‌خطی	
	ضریب B	پراورد خطا				ضریب تحمل	واریانس تورم
مقدار عرض از مبدأ	۶۶/۷۳۱	۷/۲۳۱		۹/۲۲۸	۰/۰۰۰		
اعتماد اجتماعی	-۰/۱۵۶	۰/۰۳۹	-۰/۲۰۱	-۴/۰۳۶	۰/۰۰۰	۰/۷۹۹	۱/۲۵۲
سرمایه فرهنگی	-۰/۱۶۴	۰/۰۴۳	-۰/۱۹۰	-۳/۸۴۳	۰/۰۰۰	۰/۸۱۳	۱/۲۲۹
جهانی شدن	۰/۴۳۰	۰/۱۰۰	۰/۱۹۸	۴/۳۱۹	۰/۰۰۰	۰/۹۴۵	۱/۰۵۸

ضرایب بتای گزارش شده به‌ازای عوامل اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد که بهترین پیش‌بین ناسزاگویی در گفتار به‌ترتیب، اعتماد اجتماعی (۰/۲۰۱)، جهانی شدن (۰/۱۹۸)، و سرمایه فرهنگی (۰/۱۹۰) بوده است. بنابراین، فرضیه پژوهش پذیرفته شده است.

جدول ۳. عوامل فردی پیش‌بین مناسب واریانس ناسزاگویی در گفتار

مدل	ضریب R	ضریب تعیین	ضریب تعیین استاندارد	درجه آزادی	مجموع مربعات	ضریب F	سطح معناداری
هم‌زمان	۰/۴۸۲	۰/۲۳۲	۰/۲۲۴	۴	۱۱۴۴۸/۰۸۱	۲۸/۶۹۹	۰/۰۰۰

- متغیرهای پیش‌بین: متغیرهای زمینه‌ای پاسخ‌گویان

- متغیر ملاک: ناسزاگویی در گفتار

جدول ۴. آزمون رگرسیون تأثیرگذاری زیرمقیاس‌های عوامل فردی بر ناسزاگویی در گفتار

ضرایب هم‌خطی	ضرایب	سطح معناداری	T ضریب	ضرایب غیراستاندارد		مدل	
				استاندارد	ضرایب B برآورد خطا		
واریانس تورم	ضریب تحمل			بتا			
		۰/۰۰۰	۱۲/۹۸۰		۸/۵۷۹	۱۱۱/۳۵۵	مقدار عرض از مبدأ
۱/۱۰۳	۰/۹۰۶	۰/۰۰۲	۳/۰۹۴	۰/۱۴۶	۲/۱۴۱	۶/۶۲۴	جنسیت (۰: زن؛ ۱: مرد)
۱/۰۴۹	۰/۹۵۳	۰/۰۰۰	-۶/۲۳۶	-۰/۲۸۷	۲/۰۸۸	-۱۳/۰۲۱	وضعیت تأهل (۰: مجرد؛ ۱: متأهل)
۱/۱۵۳	۰/۸۶۷	۰/۰۰۰	-۶/۸۵۴	-۰/۳۳۱	۰/۲۹۳	-۲/۰۰۷	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
۱/۰۰۵	۰/۹۹۵	۰/۰۰۰	-۴/۲۰۸	-۰/۱۹۰	۰/۳۱۳	-۱/۳۱۷	سن

باتوجه به جدول مذکور، ضرایب بتای گزارش شده به‌ازای عوامل فردی نشان می‌دهد که بهترین پیش‌بین ناسزاگویی در گفتار به‌ترتیب، پایگاه اقتصادی و اجتماعی (۰/۳۳۱)، وضعیت تأهل (۰/۲۸۷)، سن (۰/۱۹۰)، و جنسیت (۰/۱۴۶) بوده است. بنابراین، فرضیه مذکور پذیرفته شده است.

۲.۲.۴ آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش

جدول ۵. آزمون هم‌بستگی بین متغیرهای مستقل و ناسزاگویی در گفتار

متغیر وابسته: ناسزاگویی در گفتار		متغیرهای مستقل
سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	
۰/۰۰۰	** ۰/۱۸۵ -	سن
۰/۰۰۰	** ۰/۳۰۵ -	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۰/۰۰۰	** ۰/۳۲۸ -	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	** ۰/۳۱۵ -	سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۰	** ۰/۲۶۳	جهانی شدن فرهنگی

همان‌طور که آزمون هم‌بستگی پیرسون نشان می‌دهد، هم‌بستگی معناداری بین متغیرهای مستقل سن، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سرمایه فرهنگی

پاسخ‌گویان، و متغیر وابسته میزان ناسزاگویی در گفتار وجود دارد. به عبارتی دقیق‌تر، سن پاسخ‌گویان (با ضریب هم‌بستگی: ۰/۱۸۵ و سطح معناداری: ۰/۰۰۰)، پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخ‌گویان (با ضریب هم‌بستگی: ۰/۳۰۵ و سطح معناداری: ۰/۰۰۰)، اعتماد اجتماعی (با ضریب هم‌بستگی: ۰/۳۲۸ و سطح معناداری: ۰/۰۰۰)، سرمایه فرهنگی (با ضریب هم‌بستگی: ۰/۳۲۸ و سطح معناداری: ۰/۰۰۰) و میزان ناسزاگویی در گفتار هم‌بستگی معکوسی گزارش شده است. این نشان می‌دهد که با بالا رفتن سن پاسخ‌گویان، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، اعتماد اجتماعی، و سرمایه فرهنگی آن‌ها از میزان ناسزاگویی در گفتار کاسته می‌شود و بالعکس با پایین آمدن متغیرهای ذکر شده بر میزان ناسزاگویی در گفتار افزوده می‌شود. چنین یافته‌ای با سطح معناداری ۹۹ درصد پذیرفته می‌گردد. هم‌چنین براساس آزمون هم‌بستگی پیرسون، هم‌بستگی معناداری بین جهانی شدن فرهنگی پاسخ‌گویان و میزان ناسزاگویی در گفتار وجود دارد. به عبارتی دقیق‌تر، بین جهانی شدن فرهنگی پاسخ‌گویان و میزان ناسزاگویی در گفتار (با ضریب هم‌بستگی: ۰/۲۶۳؛ سطح معناداری: ۰/۰۰۰) هم‌بستگی مستقیمی گزارش شده است که نشان می‌دهد با بالا رفتن جهانی شدن فرهنگی پاسخ‌گویان بر میزان ناسزاگویی در گفتار افزوده می‌شود و بالعکس با پایین آمدن جهانی شدن فرهنگی پاسخ‌گویان از میزان ناسزاگویی در گفتار کاسته می‌شود. چنین یافته‌ای با سطح معناداری ۹۹ درصد پذیرفته می‌شود.

جدول ۶. آزمون مقایسه میانگین جنسیت پاسخ‌گویان و میزان ناسزاگویی در گفتار

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	ضریب آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
ناسزاگویی در گفتار	زن	۱۹۲	۵۶/۴۵۸	۱۹/۹۲	۳۸۲	۰/۰۰۰
	مرد	۱۹۲	۶۶/۷۶۵	۲۴/۱۰		

همان‌طور که آزمون T-Test نشان می‌دهد، تفاوت معناداری از نظر جنسیت پاسخ‌گویان و میزان ناسزاگویی در گفتار وجود دارد. به عبارتی دیگر، میانگین‌های گزارش شده به‌ازای پاسخ‌گویان (زن: ۵۶/۴۵ و مرد: ۶۶/۷۶) تفاوت معناداری را در زنان و مردان نشان می‌دهد و زنان میزان ناسزاگویی کم‌تری در گفتار دارند (ضریب آزمون: ۴/۴۵۷؛ سطح معناداری: ۰/۰۰۰). چنین یافته‌ای با سطح معناداری ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود.

تحلیل جامعه‌شناختی ناسزاگویی در گفتار به‌مثابه یک ... ۷۱

جدول ۷. آزمون مقایسه میانگین وضعیت تأهل پاسخ‌گویان و میزان ناسزاگویی در گفتار

وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	ضریب آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
مجرد	۱۹۵	۶۶/۵۰	۲۱/۱۰	۴/۳۹۹	۳۸۲	۰/۰۰۰
متأهل	۱۸۹	۵۶/۵۶	۲۳/۱۸			

همان‌طور که آزمون T-Test نشان می‌دهد، تفاوت معناداری از نظر وضعیت تأهل پاسخ‌گویان و میزان ناسزاگویی در گفتار وجود دارد. به عبارتی دیگر، میانگین‌های گزارش شده به‌ازای پاسخ‌گویان (مجرد: ۶۶/۵۰ و متأهل: ۵۶/۵۶) تفاوت معناداری را در افراد مجرد و متأهل نشان می‌دهد و افراد متأهل میزان ناسزاگویی کم‌تری در گفتار دارند (ضریب آزمون: ۴/۳۹؛ سطح معناداری: ۰/۰۰۰). چنین یافته‌ای با سطح معناداری ۹۵ درصد پذیرفته می‌گردد.

جدول ۸. مدل رگرسیون گام‌به‌گام تأثیرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی در پیش‌بینی ناسزاگویی در گفتار

مدل	ضریب R	ضریب تعیین	ضریب تعیین استاندارد	درجه آزادی	مجموع مربعات	ضریب F	سطح معناداری
گام‌به‌گام	۰/۴۹۷ d	۰/۲۴۷	۰/۰۲۳	۴	۱۲۱۵۸/۹۳۷	۳۱/۰۶۵	۰/۰۰۰

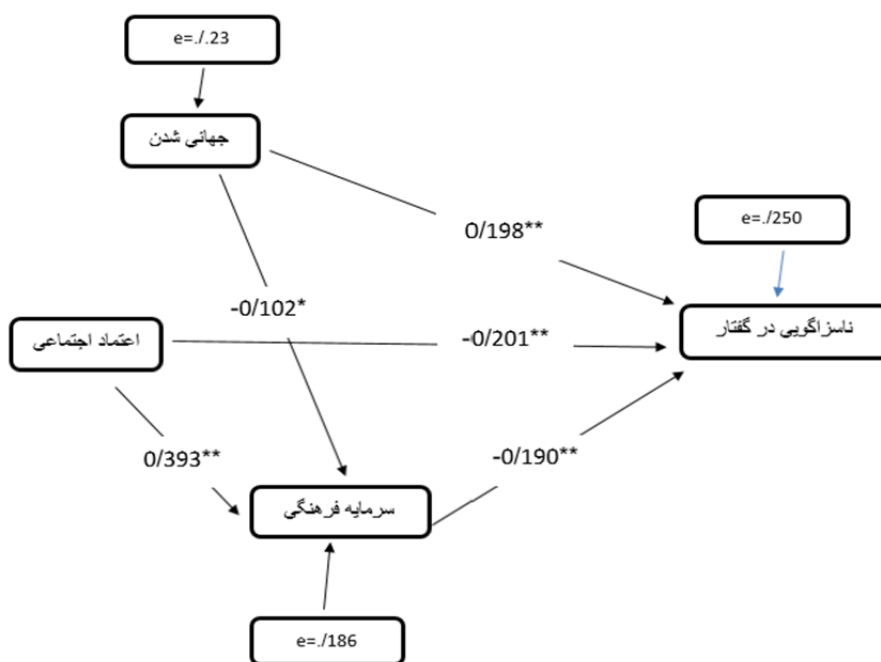
همان‌طور که مدل رگرسیون گام‌به‌گام نشان می‌دهد، عوامل اجتماعی و فرهنگی (متغیرهای اعتماد اجتماعی، جهانی شدن، و سرمایه فرهنگی) توانسته‌اند ۲۵ درصد از واریانس ناسزاگویی در گفتار را پیش‌بینی کنند.

جدول ۹. آزمون رگرسیون تأثیرگذاری زیرمقیاس‌های عوامل اجتماعی و فرهنگی بر ناسزاگویی در گفتار

سطح معناداری	ضریب T	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		ضرایب استاندارد	ضریب B	
۰/۰۰۰	۱۱/۷۱۵	بتا	برآورد خطا	مقدار عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	-۴/۳۰۵	-۰/۲۱۲	۵/۹۵۵	۶۹/۷۶۵
۰/۰۰۰	۴/۴۹۳	۰/۲۰۴	۰/۰۳۸	-۰/۱۶۴
۰/۰۰۰	-۳/۹۱۳	-۰/۱۹۲	۰/۰۹۸	۰/۴۴۲
			۰/۰۴۲	-۰/۱۶۵

باتوجه به جدول مذکور، برای ما روشن می‌شود که به‌ازای عوامل اجتماعی و فرهنگی متغیر اعتماد اجتماعی برابر با $(-۰/۲۱۲)$ ، متغیر جهانی شدن با اثر $(۰/۲۰۴)$ ، و متغیر سرمایه فرهنگی با اثر $(-۰/۱۹۲)$ بهترین پیش‌بین ناسزاگویی در گفتارند.

۳.۴ تحلیل مسیر



تصویر ۲

جدول ۱۰. تحلیل مسیر مستقیم، غیر مستقیم، و مسیر کل

متغیرها	مسیر مستقیم	مسیر غیر مستقیم	مسیر کل
اعتماد اجتماعی -> ناسزاگویی	-۰/۲۰۱	۰/۰۷۴۷	۰/۲۷۵
جهانی شدن -> ناسزاگویی	۰/۱۹۸	۰/۰۲۲۳	۰/۲۲۰
سرمایه فرهنگی -> ناسزاگویی	-۰/۱۹۰	-	۰/۱۹۰
اعتماد اجتماعی -> سرمایه فرهنگی	۰/۳۹۳	-	۰/۳۹۳
جهانی شدن -> سرمایه فرهنگی	-۰/۱۰۲	۰/۰۱۵۶	۰/۱۱۷

همان‌طور که تحلیل مسیر این پژوهش نشان می‌دهد، ناسزاگویی تحت تأثیر مستقیم اعتماد اجتماعی (۰/۲۰۱)، جهانی شدن (۰/۱۹۸)، و سرمایه فرهنگی (۰/۱۹۰) قرار دارد. در مسیر غیرمستقیم اعتماد اجتماعی با تأثیرگذاری مستقیم بر سرمایه فرهنگی (۰/۳۹۳) تأثیری غیرمستقیم در ناسزاگویی در گفتار دارد (۰/۷۴۷). جهانی شدن با تأثیرگذاری مستقیم بر سرمایه فرهنگی (۰/۱۰۲) تأثیری غیرمستقیم در ناسزاگویی در گفتار دارد (۰/۲۲۳).

۵. نتیجه‌گیری

فحاشی و دشنام یکی از پدیده‌های ناهنجار در مناسبات اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ آن‌چنان‌که در میان برخی از طبقات و اقشار اجتماعی، به‌ویژه جوانان، ناسزاگویی به‌صورت یک فرهنگ درآمده است و متأثر از عوامل فردی، اجتماعی، و فرهنگی است و گاه به‌عنوان یک امر ارزشی تلقی می‌شود. در این زمینه، هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل فردی، اجتماعی، و فرهنگی مؤثر بر شیوع ناسزاگویی در گفتار بوده است. درحقیقت، این پژوهش سعی کرد به این پرسش اساسی پاسخ دهد که آیا می‌توان تغییرات پاسخ‌گویان را از نظر ناسزاگویی در گفتارشان منوط به ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، و فردی‌شان دانست؟ برای پاسخ به این سؤال و دیگر سؤالات پژوهش، از مبانی نظری و چهارچوب نظری استفاده شد. مدل نظری پژوهش با استفاده از چهارچوب نظری حاصل شد. در پژوهش حاضر، برای تبیین ارتباط بین متغیرهای تحقیق، ارتباط و میزان تأثیرگذاری هر متغیر در تعیین متغیر وابسته از آزمون‌های تحلیلی برای آزمون فرضیه‌ها و تبیین عوامل مؤثر استفاده شده است که در ادامه نتایج آن‌ها بحث و بررسی می‌شود.

یکی از متغیرهای این پژوهش اعتماد اجتماعی است. اعتماد اجتماعی یکی از مهم‌ترین ارکان تأثیرگذار در استفاده یا عدم استفاده از ناسزا در گفتار به‌شمار می‌رود. به‌گونه‌ای دقیق‌تر، زمانی که فرد به دیگران احترام بگذارد، اطرافیان خویش را به‌خوبی بشناسد، بر این باور باشد که می‌توان به دیگران اعتماد کرد و اطرافیان خویش را صاف، ساده، و معتمد ادراک کند، ارزش‌های نوع‌دوستانه دارد و کم‌تر به‌سراغ ناسزاگویی می‌رود و از این ادبیات در گفتار خویش استفاده نمی‌کند. بالعکس، آن دسته از افرادی که اصلاً به دیگران اعتماد ندارند و ارزش‌های نوع‌دوستانه در آن‌ها تضعیف گردیده است، بر این باورند که همه افراد به‌دنبال منفعت شخصی خودشان‌اند هستند. با فرض این‌که ظاهر و باطن افراد فرق معناداری با هم دارد، میزان استفاده از ادبیات ناسزاگویان در فرد به‌طور

معناداری افزایش می‌یابد. براساس یافته‌های تحقیق بین اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان و میزان ناسزاگویی در گفتار هم‌بستگی معکوسی گزارش شده است که نشان می‌دهد با بالارفتن اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان از میزان ناسزاگویی در گفتار کاسته می‌شود و بالعکس با پایین آمدن اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان بر میزان ناسزاگویی در گفتار افزوده می‌شود. این فرضیه با نظریه فوکویاما و ایوا کاکس درباره اعتماد اجتماعی هم‌خوانی دارد، به عقیده آنان، شرط اساسی برای یک جامعه سالم، اعتماد اجتماعی متقابل بین اعضاست. به گونه‌ای که هرچه میزان اعتماد اجتماعی کم‌تر باشد میزان پای‌بندی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی کم‌تر و در نتیجه ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری بیش‌تر می‌شود (کارکنان نصرآبادی و همکاران ۱۳۹۱).

درکنار متغیرهای یادشده، متغیر «سرمایه فرهنگی» هم‌بستگی معکوسی با میزان ناسزاگویی در گفتار دارد. به عبارت بهتر، نتایج نشان داد که هرچه قدر میزان سرمایه فرهنگی پاسخ‌گویان بالاتر باشد میزان ناسزاگویی در گفتار کاهش می‌یابد و بالعکس. در واقع، برخورداری از سرمایه فرهنگی بالاتر در حکم عاملی بازدارنده مانع استفاده فرد از ادبیات ناسزاگونه در گفتار می‌گردد. آن دسته از افرادی که از میزان فعالیت‌های علمی، آموزشی، و فرهنگی بالاتری برخوردارند با گسترش شناخت، ارزش‌های متعالی، و تمیز مناسب الگوهای رفتاری و کلامی به هنجار و نابهنجار دقت بالایی در ادبیات مورداستفاده خویش دارند؛ درحقیقت، میزان فعالیت‌های فرهنگی آن‌ها به این افراد شناخت و درکی را اعطا می‌کند که به خود اجازه نمی‌دهند در هر مکانی از ادبیات ناسزا استفاده کنند. در بعدی دیگر، آن دسته از افرادی که سرمایه فرهنگی پایین‌تری دارند، به دلیل کمی فعالیت‌های فکری، هنری، و شناختی که دارند، قادر نیستند اهمیت استفاده از ادبیات به هنجار را در گفتار تشخیص دهند و شخصیت آن‌ها به سمت ادبیات ناسزاگونه پیش‌تر سوق می‌یابد. نتایج این یافته با نظریه بوردیو درباره سرمایه فرهنگی هم‌خوانی دارد. از منظر بوردیو سرمایه فرهنگی و اقتصادی خانواده بر رفتارها، ترجیحات، نگرش‌ها، و انگیزه‌های رفتاری انحرافی مانند به‌کارگیری الفاظ ناشایست و زشت، توهین به دیگران و انحرافات جنسی، و ... تأثیر می‌گذارد (مجدی و همکاران ۱۳۸۹) و جنبه‌های مقاومتی این مسئله را در برابر هنجار مسلط خود در قالب شکستن تابوهای کلامی نشان می‌دهد.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر ناسزاگویی در گفتار «جهانی‌شدن فرهنگی» است که هم‌بستگی مستقیمی با میزان ناسزاگویی در گفتار دارد. در واقع، با بالارفتن میزان

جهانی شدن فرهنگی پاسخ‌گویان بر میزان ناسزاگویی در گفتار افزوده می‌شود و بالعکس با پایین آمدن آن از میزان ناسزاگویی در گفتار کاسته می‌شود. در واقع، با رسوخ فرهنگ جهانی ارزش‌های غربی و بیگانه با ارزش‌های بومی نیز در بین افراد جامعه گسترش می‌یابد. نگاهی گذرا به فرهنگ غربی به‌خصوص فرهنگ برآمده از رسانه‌های گروهی غرب که تمرکز بالایی بر ادبیات مستهجن، مصرفی و جهت‌دار دارد، حاکی از آن است که در چنین ادبیاتی مثلاً فیلم‌های هالیوودی، ترانه‌های رپ، راک و جاز، ناسزاگویی به‌عنوان یک ارزش پذیرفته شده و رواج یافته است و آن دسته از افرادی که از فرهنگ غربی و جهانی شدن فرهنگی با استیلای فرهنگ غرب تبعیت می‌کنند با افزایش میزان مواجه و مصرف ناسزا در پیام‌های دریافتی، ارزش مذکور را در خویش نیز درونی می‌کنند و آن را در ادبیات محاوره نیز استفاده می‌کنند. مطالعه محققى مانند اوتا (۲۰۰۱) نیز به‌نوعی با نتیجه پژوهش حاضر هم‌جهت است. او در مطالعه خود نشان داده است که جهانی شدن، علاوه بر تأثیر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی، مهم‌ترین تأثیرش در زمینه فرهنگی بوده است. از این رو، به دلیل ایجاد تغییر در ارزش‌های دینی و سنتی، شیوه‌های تفکر، مفاهیم، اعتقادات، و ... اقشار مختلف به‌ویژه جوانان، فرهنگ سنتی و بومی خویش را مانند هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، زبان‌ها، و ... به دلیل پذیرش عناصر فرهنگی جدید به حاشیه رانده‌اند. فرایندی که در آن با جهانی شدن فرهنگی و با افزایش آگاهی، پی‌آمدهایی چون بحران هویت، ناهنجاری‌ها، آسیب‌های اجتماعی، بروز انواع خشونت‌ها، و ... رخ داده است.

بدین ترتیب، می‌توان گفت عوامل اجتماعی و فرهنگی نقش بیش‌تری در شیوع ناسزاگویی در گفتار افراد مورد مطالعه در این تحقیق (جوانان سطح شهر رشت) دارند. اعتماد اجتماعی، جهانی شدن فرهنگی، و سرمایه فرهنگی، به ترتیب، از مهم‌ترین متغیرهایی‌اند که بر ناسزاگویی در گفتار تأثیر دارند. هم‌چنین براساس یافته‌های پژوهش در بین عوامل فردی به ترتیب پایگاه اقتصادی و اجتماعی، وضعیت تأهل، سن و جنسیت نیز بر شیوع ناسزاگویی در گفتار تأثیر دارند. نتیجه پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات مباحثات و همکاران (Mobashshernia et al. 2012) و آلموتاق (Almutlaq 2013) هم‌جهت است. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان می‌دهد سطح تحصیلات پاسخ‌گویان، میزان تحصیلات والدین، میزان وقت سپری شده در خیابان و کافه، و جامعه‌پذیری در گروه دوستان تأثیر معناداری در استفاده از زبان دشنام در بین جوانان دارد.

در «جمع‌بندی نهایی»، براساس یافته‌های کلی مطالعه حاضر می‌توان چنین نتیجه گرفت که میزان بی‌اخلاقی در سطوح مختلف جامعه و مبدل‌شدن آن به فرهنگ عمومی که نشان‌دهنده ناسازگاری و مخالفت با ساختار اجتماعی است، خود را از طریق مصادیق مختلف از جمله به‌هنجارشدن ناسزاگویی در خرده‌فرهنگ جوانان نشان می‌دهد. باتوجه‌به یافته‌های تحقیق حاضر و در پی پاسخ به پرسش‌های کلی و جزئی این تحقیق می‌توان گفت که ناسزاگویی در بین جوانان به‌صورت نیرومند و تأثیرگذار رو به تزاید است؛ زیرا در پس‌زمینه آن کنش‌های بسیار قوی وجود دارد. طبق یافته‌های تحقیق، ناسزاگویی به‌مثابه شیوه مخصوص ارتباط گاه صمیمی و گاه دگرستیز نه‌تنها شامل الفاظ طبقه‌بندی‌شده است، بلکه شامل طبقه‌بندی فرد در شیوه‌های معاشرت و آداب سخن‌گفتن است. هم‌چنین تغییر در تعاملات و افزایش ناسزاگویی در گفتار می‌تواند از عوامل مختلفی ناشی شود که در میدان‌های مختلف ریشه دارد. ازجمله این عوامل سرمایه اجتماعی هم‌چون اعتماد و سرمایه فرهنگی افراد و به‌ویژه جوانان در جامعه است که می‌توان به آن اشاره داشت. در این بین، سرمایه فرهنگی از جهاتی فراتر از سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی به بازتولید نابرابری در جامعه می‌پردازد و مرزهای قشربندی در بین آحاد جامعه محسوس‌تر می‌شود و این امر زمینه کنش‌ها و تعاملات کلامی غیراخلاقی را فراهم می‌آورد که نتیجه آن افزایش خشونت‌های کلامی است. سرمایه فرهنگی خانواده نقش پررنگی در گرایش افراد به شیوه‌ها و صور خاص در سخن‌گفتن دارد. همان‌گونه‌که در نتایج این تحقیق مشاهده شد، افرادی که سرمایه فرهنگی پایینی دارند جهان‌بینی آنان به‌دلیل فقر سرمایه فرهنگی، نسبت به جامعه، هویت گروهی، دینی، بدنی، و ... منفی یا خنثی است و در نتیجه در تعاملات خود دچار ناهنجاری شده که به اشکال مختلف مانند انواع خشونت‌ها به‌ویژه ناسزاگویی در گفتار با رگه‌های توأمان صمیمیت و خشونت بروز می‌یابد. می‌توان گفت هر نوع کنش گفتاری، که گاه از یک حرکت توأم با زبان بدن مانند اخم، چشم‌غره، یا تهدید شروع می‌شود و به دشنام، توهین، تمسخر، تکیه‌کلام یا متلک، وقاحت، و کلمات مستهجن به‌عنوان ابعاد حرف‌های ناپسند و فحاشی می‌رسد و تا رفتارهای خشونت‌بار جسمی و ضرب‌وجرح، و ... پیش می‌رود، در بسیاری از موارد از سرمایه فرهنگی خانواده و محیطی سرچشمه می‌گیرد که فرد در آن پرورش یافته است. آن الگوهای رفتاری در فرد درونی شده و بر کنش‌ها، ترجیحات، نگرش‌ها، و انگیزه‌های رفتاری انحرافی مانند

به‌کارگیری الفاظ ناشایست و زشت، توهین به دیگران، و ... تأثیر می‌گذارد و گاه این الگوهای رفتاری به‌صورت واکنش‌های مقاومتی در برابر هنجار مسلط خود را در قالب شکستن تابوهای کلامی نشان می‌دهند.

نکته قابل توجه آن است که آهنگ و طرز بیان کلمات مستهجن، که در فحاشی به‌کار می‌رود، معنای این کلمات را عوض می‌کند و آن‌ها را از فحش یا توهین به اظهار محبت شدید مبدل می‌سازد. این واژه‌های ناسزاگونه به تقویت حلقه اجتماعی جوانان نیز کمک می‌کند؛ به‌طوری‌که الفاظ ناسزا به شناس‌نامه خرده‌فرهنگ آنان مبدل می‌گردد. حال در این بین عوامل مهمی در افزایش ناسزاگویی در گفتار نقش دارند. برای نمونه، گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی با بالاترین سطح تأثیرگذاری بر افزایش ناسزاگویی حاکی از آن است که این فضا با میسر ساختن کنش ارتباطی آزادانه تر فضایی ایجاد کرده است که در آن ارتباطاتی براساس هویتی گم‌نام و حتی جعلی و گاه بدون هیچ‌گونه محدودیتی شکل می‌گیرد. ثمره این ارتباط ایجاد یک زبان خاص یا تغییر در نوع گفتار اصلی در تعاملات واقعی است. به‌عبارت‌دیگر، شبکه‌های اجتماعی امکان‌رهایی از محدودیت‌های ارتباطی را در دنیای واقعی فراهم می‌سازد و فضا و شرایطی ایجاد می‌کند که در آن افراد آزادانه و بدون کوچک‌ترین ابایی می‌توانند به ناسزاگویی بپردازند. در این رابطه بحران هویت فرهنگی در سایه جهانی شدن به‌شکل‌های متنوعی ظاهر می‌شود و این امر بر عوامل متعددی چون مؤلفه‌های فرهنگی و روحیات و کیفیات تعامل کلامی جوانان مؤثر افتاده است. بحثی که در علوم اجتماعی وجود دارد این است که جامعه متأثر از رخداد جهانی شدن، مجموعه‌ای از تناقض‌ها و تعارضات است. جامعه مدرن جامعه‌ای است که در آن، نابرابری با برابری یا میل به برابری هم‌زیستی دارد، فقر با ثروت در حال زیست مستمر است و نهایتاً خشونت و عدم‌خشونت هم‌باهم زندگی می‌کنند. این نوع تعبیر متناقض در جامعه مدرن به ما این اجازه را می‌دهد که بگوییم در زندگی اجتماعی مدرن، نابرابری، فساد، و خشونت‌های کلامی بیش از حد متعارف و بیش‌تر یک امر مستمر است.

همان‌طور که بورديو (۱۹۹۵) می‌گوید، مالکیت سرمایه فرهنگی فقط از سرمایه مادی حکایت نمی‌کند، بلکه سرمایه فرهنگی ناشی از شرایط خانوادگی یا مدرسه‌ای تاحدی مستقل از سرمایه اقتصادی عمل می‌کند. سرمایه فرهنگی حتی کمبود پول را به‌عنوان بخشی از راه‌کار فرد یا گروه برای تعقیب و دستیابی به قدرت و منزلت اجتماعی جبران می‌کند.

کتاب‌نامه

- بارکر، کرین (۱۳۹۱)، *مطالعات فرهنگی: نظریه و عملکرد*، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بازرگان، زهرا، ناهید صادقی، و غلامعلی لواسانی (۱۳۸۲)، «بررسی وضعیت خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران: مقایسه نظرات دانش‌آموزان و معلمان»، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، دوره ۳۳، ش ۱.
- حبیب‌پور، کرم و رضا صفری (۱۳۹۱)، *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)*، تهران: متفکران.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵)، *جهانی‌شدن: نظریه‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: ثالث.
- سعیدی، رحمان (۱۳۸۵)، «جهانی‌شدن اقتصاد»، *رشد و آموزش علوم اجتماعی*، ش ۴.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، «سرمایه اجتماعی، مفاهیم اصلی، و چهارچوب نظری»، *فصل‌نامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی*، س ۱، ش ۲.
- شهابی، محمود (۱۳۸۲)، «جهانی‌شدن؛ خرده‌فرهنگ‌های جوانان در عصر جهانی‌شدن»، *مجله مطالعات جوانان*، ش ۵.
- شیانی، ملیحه و محمدعلی محمدی (۱۳۸۶)، «تحلیل جامعه‌شناختی احساس انومی اقتصادی در میان جوانان»، *فصل‌نامه رفاه اجتماعی*، ش ۲۵.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی مصرف موسیقی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، *پایان نظم*، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- کارکنان نصرآبادی، محمد، مرتضی جعفرپور، و زینب پروری آرانی (۱۳۹۱)، «عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی در شهرستان کاشان و آران و بیدگل»، *فصل‌نامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۲۷.
- کریمی، فاطمه (۱۳۹۰)، «بررسی انواع خشونت کلامی و عوامل پدیدآورنده آن از نظر دانش‌آموزان و معلمان»، *پژوهش‌نامه حقوقی*، س ۲، ش ۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، *جهان رهاشده: گفتارهایی درباره یک پارچگی جهانی*، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: علم و ادب.
- مجدلی، علی‌اکبر، رام‌پور صدر نبوی، حسین بهروان، و محمود هوشمند (۱۳۸۹)، «سبک زندگی جوانان ساکن مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره ۷، ش ۲.
- نراقی، ملا محمد مهدی (بی‌تا)، *جامع السعادات*، ج ۱، بیروت: اعلمی.
- وحید، فریدون، صمد کلانتری، و ابوالقاسم فاتحی (۱۳۸۲)، «رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان (گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان)»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ش ۲.

- Almutlaq, Husein (2013), "A Sociolinguistic Study of Terms of Oaths in Jordanian Arabic", *International Journal of Humanities and Social Science*, vol. 3, no. 21.
- Bourdieu, P. (1991), *Language and Symbolic Power*, Cambridge: Harvard University Press.
- Bourdieu, P. (1995), *The Field of Cultural Production*, Cambridge: Polity Press.
- Chi-Shiou, Lin and Chen Yi-Fan (2012), "The Influences of Online Cultural Capital on Social Tagging Behavior", *Journal of Library and Information Studies*, vol. 10, no. 2.
- Das, Biswajit and Jyoti Shankar Sahoo (2011), "Social Networking Sites—A Critical Analysis of It's Impact on Personal and Social Life", *International Journal of Business and Social Science*, vol. 2, no. 14: <www.ijbssnet.com>.
- Fukuyama, F. (1995), *Trust: the Social Virtues and Creation of Personality*, New York: Free Press.
- Gagliardone, Ibibio, Danit Gal, Thiago Alves, and Gabriela Martinez (2015), *Countering Online Hate Speech*, Published by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization Place de Fontenoy, 75352 Paris 07 SP, France UNESCO.
- Ghanea, Nazila (2012), "The Concept of Racist Hate Speech and its Evolution over Time", Paper Presented at the United Nations Committee on the Elimination of Racial Discrimination's Day of the Matic Discussion on Racist Hate Speech 81 st Session, Geneva.
- Giddens, A. (1990), *The Consequences of Modernity*, London: Polity Press.
- Giddens, A. (1994), "Living in a Post-Traditional Society", Beck, Giddens, and Lash: *Reflexive Modernization: Politics, Tradition, and Aesthetics in the Modern Social Order*, Stanford: Stanford University Press.
- Govier, Trudy (1997), *Social Trust and Human Communities*, Montreal and Kingston: McGill-Queen's University Press.
- Johnson, D. I. and N. Lewis (2010), "Perceptions of Swearing in the Work Setting: an Expectancy Violations Theory Perspective", *Communication Reports*, vol. 23, no. 2.
- Korostelina, K. (2014), "Intergroup Identity Insults: A Social Identity Theory Perspective", *Identity*, vol. 14, no 3.
- Macros, J. and M. McCabe (2001), "Relationships between Identity and Self-Representation during Adolescence", *Journal of Youth and Adolescence*, vol. 30, no. 5.
- Mobashshernia Reza, Maryam Shariatzadeh Langrudi, and Jafar Ghasemi (2012), "Investigation of the Effect of Linguistic, Psychological, and Social Factors on the Use of Swearwords by University Students", *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, vol. 2, no. 8.
- Ota, Norio (2001), *Impact of Globalization on Japanese Language and Culture*, Toronto: York University.
- Rassin, E. and P. Muris (2005), "Why do Women Swear? an Exploration of Reasons for and Perceived Efficacy of Swearing in Dutch Female Students", *Personality and Individual Differences*, vol. 38, no. 7.
- Rothstein, B. and E. M. Uslaner (1999), "All for All: Equality and Social Trust", *Working Paper no. 117, Center for European Studies*.

- Simpson, E., J. Duarte, and B. Bishop (2016), "When Moms Say Bad Words: Family and Peer Influence on the Frequency of Swearing", *University of Central Florida Undergraduate Research Journal*, vol. 8, no. 2.
- Tian, F. H. N. (2014), *The Use of English Swear Words among Chinese Youths*, Thesis Submitted to Faculty of Languages and Linguistics, University of Malaya.
- Vingerhoets, A. J., L. M. Bylsma, and C. De Vlam (2013), "Swearing: A Biopsychosocial Perspective", *Psihologijske Teme*, vol. 22, no. 2.